

# سرانجام هر گونه آسیب‌شناسی بخشی در نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، منتهی به متهم کردن دانشگاه‌ها و البته «استادان» و «دانشجویان» می‌شود!؟

سرانجام هر گونه آسیب‌شناسی بخشی در نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، منتهی به متهم کردن دانشگاه‌ها و البته «استادان» و «دانشجویان» می‌شود!؟

## • مصاحبه با دکتر شهرام یوسفی‌فر، استاد تمام گروه تاریخ دانشگاه تهران

دکتر شهرام یوسفی‌فر، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران، اصلی‌ترین آسیب‌تولیدات پژوهشی از جمله پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری را مربوط به ساختارهای سیاست‌های کلان پژوهشی کشور دانست. وی عنوان کرد فروکاستن آسیب‌های آثار پژوهشی تنها به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و البته صرفاً دانشگاه‌ها، درست نیست، چراکه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها تنها بخشی از تولیدات پژوهشی کشور را شامل می‌شوند و دانشگاه‌ها تنها مرجع و منبع تولید آثار پژوهشی نیستند و البته نباید از یاد ببریم که همه تولیدات پژوهشی دانشگاه‌ها هم پایان‌نامه و رساله نیستند. اگر ما فقط روی دانشگاه‌ها متمرکز شویم، در حقیقت تنها به بخشی از مراکز تولید آثار پژوهشی توجه کرده‌ایم و چنین رویه‌ای طبیعتاً منجر به نتایج بخشی خواهد شد و نمی‌تواند گرهی از کار وا کند. حاصل چنین آسیب‌شناسی‌هایی، در پایان متهم کردن استادان و دانشجویان است؛ در حالیکه سیاست‌های کلان پژوهشی کشور، استاد و دانشجو را در ورطه‌ای گرفتار کرده‌اند که دور نمایی برای برون رفت از آن، حداقل در کوتاه مدت، متصور نیستیم. دانشیار دانشگاه تهران، سهم بودجه‌ای پژوهش را در کشور ناچیز دانسته و از همین مقدار ناچیز هم، سهم دانشگاه‌ها را بسیار اندک و غیر قابل قیاس با سایر مراکز بر شمرد.

دکتر یوسفی‌فر در بخش دیگری از سخنان خود گفتند که مدیریت پژوهش در کشور ما واگذاری و واسپاری شده است. به عبارت دیگر، ما در کشور یک مرکز فرا ملی برای مدیریت فعالیت‌های پژوهشی نداریم. با همه احترام به ایرانداک، اما این مرکز ارزشمند، خود بخشی از ساختار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌شمار می‌آید و از جایگاه فراملی و مورد اتفاق همگان، برخوردار نیست. لذا، در نبود چنین نهادی، که می‌توانست تمام مراکز تولید آثار پژوهشی کشور را چونان مفصلی به هم پیوند دهد، باعث شده که انباشت دانش اتفاق نیفتد و طبیعی است هم افزایی هم صورت نمی‌بندد.

وی در ادامه به فایده‌های عملکردی (functional) پژوهش‌های دانشگاهی اشاره کردند و گفتند، گاه تصور غلطی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، ارائه می‌گردد. نباید از یاد برد که پایان‌نامه و رساله‌نویسی دانشجویان، یک وجه تکمیلی در کنار دوره آموزشی‌ای است که آنها می‌گذرانند؛ بنابراین، این دو را می‌بایست در کنار هم دید و از هم تفکیک نکرد. دانشجو، بعد از گذراندن دوره آموزشی زیر نظر استاد یا استادانی تمرین عملی پژوهش می‌کند؛ هدف این است که دانشجو هم الفبای پژوهش را زیر نظر متخصصان امر یاد بگیرد و هم تمرین کار تیمی (Teamwork) کند و ورزیده شود. بنابراین، حداقل در وضعیت فعلی، انتظار حل چالش‌های بنیادین کشور از طریق پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، تکلیفی مالا یطاق است و نشدنی. از سویی دیگر، میزان واحدهای درس «روش تحقیق»، به‌عنوان ابزار لازم برای پژوهش، در مقاطع مختلف تحصیلی بسیار ناچیز است: 2 واحد کارشناسی، 2 واحد ارشد و 2 واحد دکتری! خوب، با این وضعیت شما چه انتظاری از استاد و دانشجو دارید؟ این معضل بر می‌گردد به ساختار برنامه‌ریزی آموزشی در دانشگاه‌ها و باید فکری برای آن اندیشیده شود.

دکتر یوسفی‌فر در فراز دیگری از سخنان خود اشاره کردند که نسخه پیچیدن برای حل معضلات تولیدات پژوهشی در درون دانشگاه‌ها، از طرف نهادها و کسانی بیرون از دانشگاه و غیر دانشگاهیان، کاری است عبث. خود نهاد دانشگاه در کشور از ظرفیت‌های لازم و کافی

برای حل و فصل چنین مشکلاتی برخوردار است و بنابراین، باید اجازه داد و فضای لازم را فراهم کرد تا خود دانشگاهیان نسبت به رتق و فتق آن اقدام نمایند. این بدیهی است که هر صنفی، آشنایی بیشتر و بهتری نسبت به شئون صنف خود دارد و این قضیه در خصوص دانشگاهها هم صادق است. اگر قرار است به عنوان مثال قانونی در این خصوص مصوب گردد، بهتر است که این قانون پیش از طرح و تصویب از مسیر دانشگاه عبور کرده باشد. البته وی خاطر نشان کرد که رسیدن به این مرتبه، منوط به خودآگاهی دانشگاهیان است. طبیعی است تا زمانیکه چنین هوشیاری و خودآگاهی‌ای از سوی دانشگاهیان صورت نگیرد، دیگران، برای مشکلات دانشگاه نسخه خواهند پیچید. مشکلات دانشگاه صرفاً از سوی دانشگاهیان قابل حل است و لاغیر.

از نظر دکتر یوسفی‌فر، مسأله «فرهنگ پژوهش» در کشور ما هنوز پا نگرفته است. هنوز ما در خصوص مالکیت معنوی و فکری مسأله داریم؛ هنوز درباره خروجی کارهای پژوهشی مشترک که به صورت گروهی انجام می‌شود و اینکه به نام چه کسی باشد و متعلق به کیست، سر درگم هستیم؛ طراحی و اجرای ایده در یک کار مشترک، مثلاً پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، تابع چه ضوابط و قواعدی است، مشخص نیست؛ هیچ تناسبی میان زحمت استاد و مابه‌ازای مادی آن، در یک کار پژوهشی (به‌ویژه مشترک)، وجود ندارد؛ هنوز یاد نگرفته‌ایم که هر یک از استاد و دانشجو می‌بایست به میزان آورده خود در نتایج و ثمرات معنوی و مادی کار سهم باید باشند؛ هنوز نه استاد ما و نه دانشجوی ما اهل کار تیمی نیست.. این‌ها و مسائل بسیاری دیگر از این قبیل که تأثیر مستقیم بر تولیدات پژوهشی دانشگاهی دارد، قابل طرح و بحث هستند و باید برای آنها از سوی خود دانشگاهیان راهکار لازم دیده شود.

